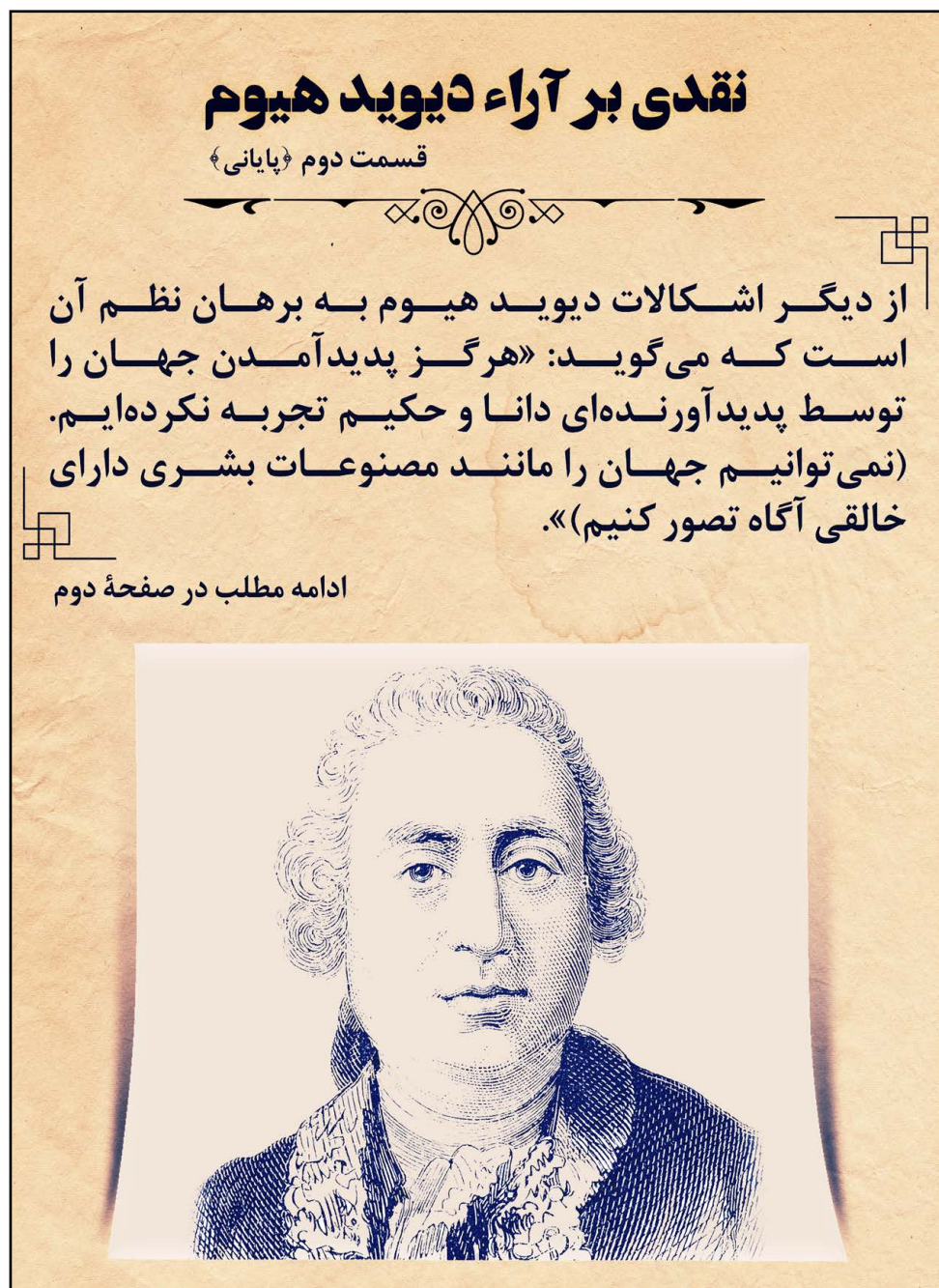
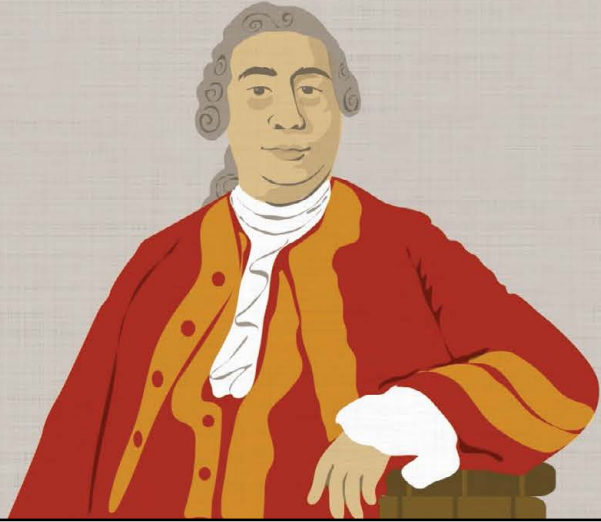




نقدی بر آراء دیوید هیوم

قسمت دوم (پایان) :



مؤثر جهان اثبات شده است؛ حال در مثال ساعت، مؤثر، انسان است (موجودی مادی) و در مورد جهان، مؤثر خداست (وجودی غیرمادی) ولی هر دو باید آگاه و عالم باشند، در غیر این صورت نمی‌توانند مجموعه‌های منظم که دارای هماهنگی غایتمند هستند را ایجاد کنند، زیرا فاقد شیء اعطاکننده شیء نیست.

و نهایت ادعای ما در برهان نظم این است که ما اثراتی را می‌بینیم که طی مشاهده آن‌ها راهی جز تصدیق وجود مؤثری به نام خدا با اوصافی نظیر نظم‌دهندگی، هدف‌داری، قانون‌گذاری و آگاهی نداریم. پس عدم شناخت دقیق ماهیت مؤثر یا عدم تجربه کافی، نمی‌تواند دلیلی بر عدم وجود مؤثر باشد.

و اگر نظم (هماهنگی غایتمند) نبود آیا مجموعه‌ها می‌توانستند سودمند باشند؟ پس واضح است که چشم نیاز به خالق آگاه و طراح دارد همان‌طور که دوربین نیز بدون سازنده‌ای آگاه، به وجود آمدنش غیرممکن است. (زیرا فاقد شیء اعطاکننده شیء نیست).

طبق تعریف نظم غایی متوجه می‌شویم، هر مجموعه‌ای منظم نیست و نیز هر موجودی قادر به خلق مجموعه منظم نیست؛ پس منطقی است که با مشاهده مجموعه‌های منظم، به وجود مؤثری ناظم و آگاه پی ببریم. در نتیجه عدم تجربه مؤثر و ندیدن آن، دلیلی بر عدم وجود آن نیست؛ زیرا در برهان نظم، صفت آگاهی برای

نقدی بر آراء دیوید هیوم

قسمت دوم (پایان) :

...هیوم می‌پنداشت، دیدن و تجربه چگونگی پیدایش جهان برای درک ماهیت و صفات مؤثرش لازم است و از آنجاکه تجربیات و مشاهدات بشر را کامل نمی‌دانست و ناقص و محدود در نظر می‌گرفت، به این نتیجه می‌رسید که در مورد مؤثر جهان نباید با قطعیت نظر داد. اما این ایراد هم اشکالی به برهان نظم وارد نمی‌کند، زیرا معرفت دقیق و حقیقی مؤثر، هدف ما نیست و همین‌که ما در این برهان به قطعیت رسیدیم که مؤثر باید صفت نظم‌دهندگی را داشته باشد کافی است؛ و آن مؤثر آگاه است، زیرا ناظم لا جرم باید هدف‌دار، قانون‌گذار و طراح باشد و این صفات مخصوص وجودی آگاه و عالم است. و نیز محدود بودن تجارب، دلیلی برای رد وجود مؤثری ناظم نیست و او چطور با دیدن اثری منظم می‌تواند مؤثر آن را غیر ناظم بداند؟! زیرا قطعاً مؤثر آن ناظم است، اگرچه او و روش ساختنش را ندیده باشد.

یعنی اگر ما خدا را در حال ساختن دنیا ندیدیم، دلیل نمی‌شود که وجود او را رد کنیم، زیرا هرچند که او را نمی‌بینیم ولی آثار دال بر وجود او را می‌بینیم.

به عبارتی، نظم، هماهنگی غایتمندی است که اسباب منفعت و سودمندی مجموعه‌ها را فراهم می‌کند و اگر اجزای چشم ما این‌گونه منظم نبودند ما نمی‌توانستیم ببینیم، ولیکن آن‌ها با ترکیب خاص و هماهنگی غایتمندی که دارند، سبب پیدایش چشم، جهت امر دیدن شده‌اند؛ یعنی نظم، عامل سودمندی بوده است

عاشورا و امام حسین (ع) از نگاه اندیشمندان اهل سنت

...در این صورت قیام حسین (ع) در حقیقت، اعلام نامزدی خود برای حکومت نبود، بلکه ذاتاً و بیش از هر چیز، این کار اعتراض به ولایت یزید به شمار می‌رود. گواه این ادعا، گفتار خود امام حسین (ع) است به ولید، وقتی از امام حسین (ع) درخواست کرد که با یزید بیعت کند. حضرت فرمودند: یزید فاسقی است که فسقش نزد خدا آشکار است».

توفیق ابوعلم

توفیق ابوعلم، از علمای معروف اهل سنت مصر، در تحلیل نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) می‌نویسد: «... امام حسین (ع) قصد کربلا کرد تا از یک‌سو دست به قیام بزند و از سوی دیگر از بیعت با یزید خودداری کند. هرچند برای او روشن بود که این قیام و امتناع از بیعت با یزید منجر به قتل او خواهد شد؛ زیرا اگر او با یزید بیعت می‌کرد یزید درصدد به وجود آوردن تغییرات اساسی در دین اسلام بر می‌آمد و بدعت‌های زیادی را بنا می‌نهاد. به همین دلیل است که گفته‌اند: حسین خود و خانواده و فرزندان‌ش را فدای جدش کرد و ارکان حکومت بنی‌امیه هم جز با قتل او متزلزل نمی‌شد... بنابراین حسین (ع) برای طلب دنیا و مقام و... قیام نکرد؛ بلکه می‌خواست احکام خدا را به اجرا درآورد».

خالد محمد خالد

خالد محمد خالد، از علمای اهل سنت مصر، قیام امام حسین (ع) را صرفاً برای حفظ دین اسلام معرفی کرده و می‌نویسند: «امام حسین (ع) برای حفظ دین دست به فداکاری زد. از آنجاکه اسلام پایان‌بخش و در یک کلمه عصارة همه ادیان است، لذا حفظ آن هم از اهم کارهایی است که مؤمنان باید بدان اهتمام بورزند. تلاش‌های صادقانه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و اولیای بزرگوار، همه و همه برای حفظ این دین بوده است؛ بنابراین موضوع قیام عاشورا نیز حفظ دین بود؛ چراکه در آن زمان، نیاز زیادی به حفظ دین احساس می‌شد... پس امام (ع) برای انجام دادن امور عاطفی یا حتی کمک به دیگران فداکاری نکرد؛ بلکه هدف اصلی او فداکاری برای حفظ دین خدا بود».

محمدعلی جناح

محمدعلی جناح، رهبر فقید پاکستان، می‌گوید: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آنچه امام حسین (ع) نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند».

عباس محمود العقاد

عباس محمود العقاد نویسنده و ادیب بزرگ مصری، می‌نویسد: «جنبش حسین از بی‌نظیرترین جنبش‌های تاریخی است که تاکنون درزمینه دعوت‌های دینی یا نهضت‌های سیاسی پدیدار گشته است... دولت اموی

پس از این جنبش به‌قدر عمر یک انسان طبیعی دوام نیافت و از شهادت حسین تا انقراض آنان بیش از شصت و اندی سال نگذشت».

عبدالرحمن شرفاوی

عبدالرحمان شرفاوی نویسنده مصری می‌نویسد: «حسین (ع) شهید راه دین و آزادگی است. نه تنها شیعیان باید به نام حسین ببالند، بلکه تمام آزادمدان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند».

عبدالحمید جوده السّحار

عبدالحمید جوده السّحار، نویسنده مصری، می‌گوید: «حسین (ع) نمی‌توانست با یزید بیعت کند و به حکومت او تن بدهد، زیرا در آن صورت بر فسق و فجور صحنه می‌گذاشت و ارکان ظلم و طغیان را محکم می‌کرد و نسبت به فرمان‌روایی باطل تمکین می‌نمود. امام حسین (ع) به این کار راضی نمی‌شد، گرچه اهل‌وعیالش به اسارت افتند و خود و یارانش کشته شوند».

العُبیدی

العُبیدی مفتی موصل می‌گوید: «فاجعة کربلا در تاریخ بشر نادر است، هم چنان‌که مسبب آن نیز نادر هستند... حسین بن علی (ع) سنت دفاع از حق مظلوم و مصالح عموم را بنا بر فرمان خداوند در قرآن، وظیفه خویش دید و در انجام‌دادن آن تسامحی نورزید. هستی خود را در چنین قربانگاه بزرگی فدا کرد و بدین سبب نزد پروردگار «سرور شهیدان» محسوب شد و در تاریخ پیشوای اصلاح‌طلبان به شمار رفت. آری، به آنچه خواسته بود رسید و بلکه به برتر از آن کامیاب گردید».

سید قطب

سید قطب می‌نویسد: «ثمره نهضت حسین (ع) پیروزی بود یا شکست؟

در دایره و مقیاس کوچک، ثمره این حرکت جز شکست چیزی نبود، ولی در عالم واقع حرکتی پرفروغ و در مقیاس بزرگ و وسیع، پیروزی بود. هیچ شهیدی در سراسر زمین مانند حسین (ع) نیست که احساسات و قلب‌ها را قبضه کند و نسل‌ها را به غیرت و فداکاری بکشانند. چه بسیار از کسانی که اگر هزار سال هم می‌زیستند امکان نداشت عقیده و دعوتشان را گسترش دهند. ولی حسین (ع) عقیده و دعوتش را با شهادتش به کرسی نشاند. هیچ خطابه‌ای نتوانست قلب‌ها را به‌سوی خود سوق دهد و میلیون‌ها نفر را به‌سوی اعمال بزرگ بکشانند، مگر خطبه آخر حسین (ع) که با خون خود آن را امضا کرد و برای همیشه موجب حرکت و تحول مردم در خط طولانی تاریخ گردید».

محمد اقبال لاهوری

اقبال لاهوری (متوفای ۱۹۳۸ م) فلسفه عاشورا را در حریت بخشی می‌داند. از دید اقبال، قیام امام حسین (ع) و یارانش برای حفظ آزادگی و گریز از بندگی طاغوت و غیر خدا و اثبات بندگی نسبت به خدا و برخوردار ساختن دیگران از آزادی در سایه تعبد الهی بود. وی این‌گونه می‌سراید: در نوای زندگی سوز، از حسین، اصل حریت بیاموز، از حسین.

سپس اضافه می‌کند:

تا قیامت قطع استبداد کرد/ موج خون او چمن ایجاد کرد

بهر حق در خاک و خون غلطیده است/ پس بنای «الا اله» گردیده است.

و سپس درباره نتیجه قیام آن حضرت چنین می‌سراید:

خون او تفسیر این اسرار کرد/ ملت خوابیده را بیدار کرد

تیغ را چون از میان، او برکشید/ از رگ ارباب باطل، خون کشید

نقش «الا الله» بر صحرا نوشت/ سطر عنوان نجات ما نوشت...

عاشورا

عاشورا و امام حسین (ع)
از نگاه اندیشمندان اهل سنت



در روایات دیگر نیز صریحاً بیان شده که منافقین بین مؤمنان باید پاکسازی شوند و بیرون بروند.

(... قَالَ الصَّادِقُ ع وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمْتَنُ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيُصْرَحَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِيهِ وَ يَصْفُوَ الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدَرِ بِإِتِّدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طَبِئَتُهُ خَبِيئَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يُخْشَى عَلَيْهِمُ النَّفَاقُ إِذَا أَحْسَنُوا بِالْإِسْتِخْلَافِ وَ التَّمَكُّينِ وَ الْأَمْنِ الْمُتَنَشِّرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ ع...).

امام صادق (ع) فرمودند: و [امر] قائم این چنین است؛ روزگار غیبت او آن قدر ادامه می‌یابد تا حق محض مشخص شود و ایمان از ناپاکی و ناخالصی پاک شود و این به‌وسیله مرتد شدن شیعیانی است که طینت و سرشتشان خبیث و پلید است، آن شیعیانی که اگر احساس امنیت و آرامش در زمان قائم (ع) کنند، از نفاق آن‌ها ترس وجود دارد).

در برخی از روایات دربارهٔ غربال کلمه «وَالله» به کار برده شده است که حکایت از قطعی بودن وقوع آن‌ها دارد.

(أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ ابْنِ قُتَيْبَةَ عَنْ ابْنِ شَدَّانَ عَنْ الزُّنَظْبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع أَمَا وَ اللَّهِ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمْدُونُ إِلَيْهِ أَغْيَتَكُمْ حَتَّى تَمُوتُوا وَ تَمَحَّضُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ ثُمَّ تَلَا «لَمْ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ».) (ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۵)

امام رضا (ع) فرمودند: آگاه باشید که به خدا سوگند آنچه را که منتظر آن هستید محقق نخواهد شد تا اینکه خوب و بدتان از یکدیگر جدا شود و خالص شوید، به‌گونه‌ای که از شما جز عدهٔ اندکی باقی نخواهد ماند؛ سپس این آیه را خواند: آیا مردم گمان می‌کنند همین که گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

ما در معرض غربال‌های مختلف هستیم، این غربال‌ها همان‌طور که بیان شد ریزش‌ها و رویش‌هایی دارند. در این غربال‌ها، افرادی که به‌ظاهر موجه هستند سقوط می‌کنند.

(مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدَ قَالَ: إِنِّي لَأَتَعَشَّى مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَ لَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ يَا أَبَا حَفْصَ مَا يَضَعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِخِلَافٍ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ تَعَالَى- إِنْ رَسُولُ اللَّهِ ص كَانَ يَقُولُ مَنْ أَسْرَّ سِرِّيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَّاهَا إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَ إِنْ شَرًّا فَشَرٌّ.) (کافی، ج ۲، ص ۲۹۴)

عمر بن یزید گوید: همراه امام صادق (ع) شام می‌خوردم که ناگاه این آیه را تلاوت فرمود: « بلکه انسان، خودش از وضع خود آگاه است، اگرچه برای خود عذرهایی بتراشد» [قیامت، ۱۴و۱۵] ای ابا حفص! **انسان چه می‌کند [چرا چنین می‌کند و چه ثمری برای او دارد] که به‌سوی خدای عزوجل تقرب جوید، بر خلاف آنچه خدای تعالی از باطن او می‌داند [مانند کسی که نماز بخواند و مقصودش نمایش برای مردم باشد]** رسول خدا (ص) می‌فرمود: هر که نیتی در دل داشته باشد، خدا لباسی مناسب آن بر او پوشد، اگر خوب باشد خوب و اگر بد باشد بد.

افراد بسیاری هستند که از لحاظ علمی و عبادی بسیار معروف و معتبر هستند، اما حضرت می‌فرمایند که خداوند از باطن این افراد آگاهی دارد، این‌ها به‌ظاهر اعمالی را انجام می‌دهند که در باطن به آن یقین ندارند و این رفتارشان صرفاً برای موجه نشان‌دادن خودشان در بین مردم است. عده‌ای در دلشان مرضی دارند و آن مرض را تا زمانی که به نفعشان است بیان نمی‌کنند اما زمانی که شرایط برخلاف میلشان تغییر کند، این اشخاص، آن عیوبی را که در درون داشتند خارج می‌کنند که موجب فتنه‌هایی بزرگ می‌شود. از خداوند مسئلت می‌نماییم که به همهٔ ما، حجت خود را آن‌چنان که هست، بشناسد و زمزمه همیشگی ما همین است که «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک ضللت عن دینی» .

جاسم انصاری

عزیز و محترم است، ولی شخصی که بی‌پول باشد در پیش آن‌ها زبون و حقیر است».

در این روایات به‌خوبی شاهد هستید، آن کسانی که در امر ظهور امام مهدی (ع) سقوط می‌کنند، علمای آخرالزمان هستند چنانچه احادیث بیان کردند، چون این علما و فقهای آخرالزمان هستند که امور مردم را در این زمانه به دست گرفته‌اند و هرچه را که بگویند، مردم بدون تدبیر و تفکر، آن را پذیرفته و عامل به آن هستند؛ حال تصور کنید فقیهی یا عالمی مخالف قائم آل محمد (ع) باشد، درنتیجه هزاران و حتی میلیون‌ها نفر، به تبعیت از او، دشمن قائم (ع) می‌شوند و در اینجا این گفته معنا پیدا می‌کند که «اذا فسد العالم فسد العالم» (زمانی که عالمی فاسد شود عالمی فاسد می‌شود).

(قال الصادق (ع): «إياكم و التقليد فإنه من قلد في دينه هلك إن الله تعالى يقول «اتخذوا أخبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله» فلا و الله ما صلوا لهم و لا صاموا و لكنهم أحلوا لهم حراما و حرموا عليهم حلالا فقلدهم في ذلك فعبدوهم و هم لا يشعرون). (تصحیح الاعتقادات، شیخ مفید، ص ۷۲)

امام صادق (ع) فرمودند: از تقلید بر حذر باشید که هر کس در دینش تقلید کند هلاک خواهد شد. خداوند می‌فرماید: «یهودیان و مسیحیان، دانشمندان و راهبان خود را به‌جای خداوند به ربوبیت و خدایی گرفتند» سوگند به خدا اینان در برابر آنان نماز نخواندند و برای آنان روزه نگرفتند، بلکه دانشمندان و راهبان‌شان حرامی را برای آنان حلال و حلالی را حرام کردند و اینان [بدون هیچ استناد و حجیتی و صرفاً به دلیل صاحب‌نام و مشهور بودن و ...] از آنان تقلید کردند و بدون آن‌که خود بدانند درواقع آنان را پرستیدند.

و این احادیث گواه و شاهی است بر اینکه مردم در عصر ظهور به خودشان بیایند و از تقلید در امور دین بپرهیزند، زیرا شخصی غیرمعصوم هرچقدر هم که درس خوانده و پیشرفت علمی داشته باشد، باز هم در شناخت صاحب حق، امتحان شده و با امکان اشتباه، مردم را هم با خودشان به قهقرا خواهد برد. این امتحان بزرگی در شناخت معصوم است که نباید به غیرمعصوم تکیه کنیم؛ پس کسانی را که تا دیروز به‌عنوان معتمدین فکری خودمان می‌دانستیم، نباید در این امر، آن‌ها را دارای مقام عصمت بدانیم و اسیر فضای زمان ظهور شویم.

غربال، امتحان است و امتحان باعث می‌شود فرد در جامعه، ضعف و بدی‌های پنهان خود را بشناسد تا بتواند آن‌ها را ریشه‌کن کند.

در غربال آخرالزمان چه کسانی ریزش می‌کنند و چه کسانی رویش دارند؟ غربال و امتحان قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) به‌قدری دشوار است که امام باقر (ع) می‌فرمایند:

(و رَوِيَ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تَغْرُبُوا ثُمَّ تَغْرُبُوا ثُمَّ تَغْرُبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يُذْهَبَ [اللَّهُ تَعَالَى] الْكَدْرُ وَ يُبْقِيَ الصَّوْفَ.) (الغیبه للطوسی، ص ۳۳۹)

جابر جُعفی می‌گوید به امام باقر (ع) عرضه داشتم فرج شما چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: هیاهات هیاهات، هرگز این فرج رخ نخواهد داد، مگر اینکه غربال شوید، سپس غربال شوید، سپس غربال‌شوید _سه بار تأکید کردند_ تا اینکه ناخالص‌ها بروند و آنان که صاف و پاک هستند باقی بمانند.

پاک‌سازی و غربال شیعیان، هنگام ظهور

...ابراهیم بن عمر یمانی به‌واسطهٔ مردی از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: ای شیعهٔ آل محمد! قطعاً شما مورد پاکسازی قرار می‌گیرید، همچون پالودن و برطرف‌شدن سرمه از چشم، چراکه صاحب چشم می‌داند چه وقتی سرمه در چشمش جای می‌گیرد، ولی نمی‌داند چه زمانی از آن بیرون می‌شود؛ و به همین‌گونه است حال مردی که بر طریق امر ما [امامت] صبح می‌کند [روز را آغاز می‌کند] و بعد روز را شب می‌کند و [بعد] درحالی‌که از آن خارج شده شب را به صبح می‌برد (یعنی بامداد مسلمان است و شامگاه کافر و بالعکس).

(مِهْزَمُ بْنُ أَبِي بَرْزَةَ الْأَسَدِيِّ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: وَ اللَّهُ لَتُكْسَرَنَّ تَكْسَرُ الرُّجَاجِ وَ إِنَّ الرُّجَاجَ لِيُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ وَ اللَّهُ لَتُكْسَرَنَّ تَكْسَرُ الْفَخَّارِ فَإِنَّ الْفَخَّارَ لَيَكْسَرُ فَلَا يَعُودُ كَمَا كَانَ وَ وَ اللَّهُ لَتُغْرِبَنَّ وَ وَ اللَّهُ لَتَمَيِّزَنَّ وَ وَ اللَّهُ لَتَمَحَّضَنَّ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ وَ صَعَرَ كَفَّهُ.) (الغیبة للنعمانی، النص، ص: ۲۰۷)

مِهْزَم بن ابی‌برده اسدی و دیگران از امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: به خدا سوگند بدون تردید به‌سان درهم شکستن آگینه درهم خواهید شکست؛ البته آن شیشه به‌صورت اولیه بازگردانده می‌شود و بدان صورت چنان‌که بوده باز می‌گردد [قابل‌ترمیم و بازیافتن شکل نخستین خود است]؛ به خدا سوگند حتماً درهم خواهید شکست، همچون شکستن سفال، همانا سفال می‌شکند ولی [بدان صورت نخستین] چنان‌که بوده است باز نمی‌گردد [قابل‌ترمیم نیست]؛ و به خدا قسم حتماً غربال خواهید شد و سوگند به خدا بدون شک از یکدیگر بازشناخته خواهید شد و به خدا قسم پاک‌سازی می‌شوید تا جایی که از شما جز اندکی باقی نماند و [در این حال حرکتی حاکی از بی‌اعتنایی به مردم به دست خود داده] کف دست خویش را به یکسو برگرداند.

ائمهٔ معصومین در روایات متعددی با تأکید فراوان از غربال در آخرالزمان و قبل از ظهور خبر داده‌اند؛ قطعاً ظهور امام مهدی (ع) بدون ریزش‌های فراوان و جدا شدن خوب از بد، واقع نمی‌شود؛ چراکه باید برای روزهای سختِ همراهی با جانشین خدا کسانی انتخاب شوند که در همهٔ شرایط و لحظات، مطیع و تسلیم بی‌چون‌وچرای آن خلیفهٔ الهی باشند.

غربال دارای قواعد و اصولی است. اولین اصل این است که ریزش و رویش از روی غفلتی آنی یا به‌یکباره نیست، سقوط و یا صعود، امری است که پس از اتمام‌حجت خداوند متعال صورت می‌گیرد، چون خداوند مهربان نمی‌خواهد بندگان‌ش در جهنم سقوط کنند.

خداوند در عصر ظهور، انسان‌ها را به‌وسیله معرفت و یاری قائم (ع) امتحان می‌کند، و عدهٔ اندکی در این غربال پیروز و تعداد زیادی شکست می‌خورند؛ بنابراین کسانی که سقوط می‌کنند حقاَ شایسته جهنم هستند و نباید نسبت به آن‌ها احساسی رأفت یا محبت داشت، زیرا آن‌ها شایسته این امر نیستند و این احساسی می‌تواند باعث بدعاقبتی و ریزش خود انسان شود.

(عن محمد بن الحنفیة، قال: قال أمير المؤمنين (ع): سمعت رسول الله (ص) يقول، في حديث طويل في فضل أهل البيت (ع): وسيكون بعدي فتنة صماء صيلم يسقط فيها كل وليجة وبطانة، وذلك عند فقدان شيعتك الخامسة من السابع من ولدك.) (كفاية‌الاثر، ص ۱۵۸)

از محمد بن حنفیه گفت: از امیر مؤمنان (ع): « رسول‌الله (ص) فرمودند: در حدیثی طولانی در ذکر فضیلت اهل‌بیت (ع): و پس از من فتنه و امتحانی صماء صیلم (بسیار سخت و شدید) واقع می‌شود و در آن هر ولیجه و بطانه (هر صاحب سر و مقرب) سقوط می‌کنند؛ و آن در هنگامی است که شیعیات، فرزند پنجم از فرزند هفتم از فرزندان را از دست می‌دهند».

(عن الباقر (ع): اذا خرج الامام المهدي فليس له عدو مبين الا الفقهاء خاصة، ولولا ان السيف بيده لأفتى الفقهاء بقتله.) (بیان الأئمة، ج ۳، ص ۹۹)

امام باقر (ع) فرمود: «زمانی که قائم قیام کند دشمنی آشکار جز فقها ندارد و اگر شمشیر به دستش نباشد، فقها فتوای قتل او را می‌دهند».

(عن اميرالمؤمنين (ع): وقفهاؤهم يفتون بما يشتهون و قضاتهم بما لا يعلمون يحكمون وأكثرهم بالزور يشهدون، من كان عنده درهم كان عندهم مرفوعا، ومن علموا أنه مقل فهو عندهم موضوع.) (إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب، الشيخ علي اليزدي الحائري، ج ۲، ص ۱۶۳؛ بشارة

الاسلام، ص ۸۰، ط دار الكتب الاسلامي؛ الزام الناصب، ص ۱۸۵، ط مؤسسه مطبوعاتي حق‌بین، با کمی اختلاف، به نقل از روزگار رهایی) امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «فقیهان آخرالزمان طبق آنچه دلشان بخواهد فتوا می‌دهند، و قاضی‌هایشان به چیزی که نمی‌دانند حکم می‌کنند و بیشتر آن‌ها به‌دروغ شهادت می‌دهند. کسی که پول دارد در نزد آن‌ها

امام سجاد (ع) از دیدگاه اصحاب و تابعین:

... ۲- زهری

محمد بن مسلم قرشی زهری یکی از بزرگان اهل سنت در شأن امام سجاد (ع) تعبیرات مختلفی دارد:

«ما رأیت هاشمياً مثل علی بن الحسین». (تهذیب اللغات و الاسماء، ص ۳۴۳)؛ (من از بنی هاشم کسی را مثل علی بن الحسین ندیدم).

«لم ادرک بالمدينة افضل منه». (تهذیب اللغات و الاسماء، ص ۳۴۳)؛ (من در مدینه افضل از او را درک نکردم).

«لم ادرک فی اهل البیت رجلاً کان افضل من علی بن الحسین». (الجرح و تعدیل، ج ۳، ص ۱۷۸)؛ (در میان اهل بیت، مردی افضل از علی بن الحسین را درک نکردم).

«کان علی بن الحسین افضل اهل زمانه». (سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۲۳۸)؛ (علی بن الحسین برترِ اهل زمان خود بود).

«ما رأیت احداً افقه منه». (تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷۵)؛ (من کسی را فقیه‌تر از او نیافتم).

۳- سعید بن مسیب

او که از فقهای بارز مدینه به حساب می‌آید، با تعبیرات گوناگون امام سجاد (ع) را تمجید کرده است؛ از قبیل:

«ما رأیت قط افضل من علی بن الحسین». (تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۴۶)؛ (من کسی را افضل از علی بن الحسین ندیدم).

«ما رأیت اورع منه». (سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸)؛ (من کسی را باتقواتر از او نیافتم).

۴- زید بن اسلم

زید بن اسلم از فقها و مفسرین بنام مدینه به حساب می‌آمد، و در توصیف امام سجاد (ع) گفته است:

«ما جالست فی اهل القبلة مثله». (تاریخ دمشق، ج ۱۲، ص ۱۹)؛ (من در بین مسلمین با کسی مثل او مجالست ننمودم).

«ما رأیت مثل علی بن الحسین فهماً حافظاً». (طبقات الفقهاء، ج ۲، ص ۳۴)؛ (من در فهم و حفظ، کسی را مثل علی بن الحسین ندیدم).

۵- حماد بن زید

او که از بارزترین فقهای بصره به شمار می‌آید، دربارهٔ امام سجاد (ع) می‌گوید: «کان علی بن الحسین افضل هاشمی ادرکته». (تهذیب اللغات و الاسماء، ص ۳۴۳)؛ (علی بن الحسین برترین هاشمی‌ای بود که من او را درک کرده‌ام).

۶- یحیی بن سعید

او که از بزرگان تابعین و از افاضل فقها و علما نزد اهل سنت به حساب می‌آید، دربارهٔ امام سجاد (ع) می‌گوید: «سمعت علی بن الحسین، وکان افضل هاشمی رایته». (تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۳۳۶)؛ (من از علی بن الحسین (ع) حدیث شنیده‌ام و او برترین هاشمی‌ای بود که او را مشاهده کرده‌ام).

۷- مالک بن انس

او می‌گوید: «لم یکن فی اهل البیت مثل علی بن الحسین». (سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۲۳۸)؛ (در میان اهل بیت، مانند علی بن الحسین (ع) وجود نداشته است).

صبر امام سجاد (ع)

ابن عساکر روایتی دربارهٔ صبر امام سجاد (ع) در مقابل مصائب ذکر کرده است؛ ابن عساکر به سندش از ابراهیم بن سعد نقل کرده که گفت: علی بن الحسین (ع) درحالی که نزد او جماعتی بودند، ناگهان صدای شیون از خانهٔ خود شنید. حضرت با سرعت وارد منزل شد و بعد از لحظاتی به مجلس خود بازگشت. به او گفته شد: آیا این شیون به جهت مصیبتی بود؟ حضرت فرمود: آری، آنگاه اصحاب او را تعزیت داده و از صبر آن حضرت تعجب نمودند. حضرت فرمود: «أنا اهل بیت نطیع الله فیما نحبّ ونحمده فیما نکره». (ترجمه امام سجاد (ع) از تاریخ دمشق، ص ۵۷) (همانا ما اهل بیتی هستیم که خدا را در آنچه دوست داریم اطاعت می‌کنیم و در آنچه کراهت داریم ستایش می‌نماییم).

گفتگوی منهال با امام سجاد (ع) در شام

امام سجاد (ع) از خرابهٔ شام بیرون آمد، تا هوایی تازه کند که «منهال بن عمر» آن حضرت را دید و عرض کرد: «کَیْفَ أَمْسَیْتَ یَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ». (ای پسر رسول خدا، چگونه شب را سپری کردی؟).

فرمود: «أَمْسَیْنَا کَمَثَلِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ یَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ». (روزگار ما همانند بنی اسرائیل در چنگال فرعونیان است که پسران آن‌ها را می‌کشتند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند).

آنگاه افزود: «عرب بر مردم عجم مباهات می‌کند که محمد (ص) از آن‌هاست و قریش بر سائر عرب فخر می‌کند که محمد (ص) از قبیلۀ آن‌هاست، ولی ما اهل بیت پیامبر را از دم تیغ گذراندند و گروهی را نیز آواره ساختند؛ «إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ

رَاجِعُونَ». (ملهوف (لهوف)، ص ۲۲۲ - ۲۲۳ و مقتل الحسین مقررّم، ص ۳۶۰)

منهال می‌گوید: امام (ع) با من مشغول سخن گفتن بود که زنی از خرابه به‌سوی او آمد و فرمود: «إِلَى أَيْنَ یَا نِعمَ الْخَلْفُ». (ای بهترین بازماندهٔ اهل بیت، به کجا می‌روی؟) حضرت نیز از من جدا شد و به‌سرعت به‌سوی آن زن رفت. من پرسیدم این زن، که بود؟ گفتند عمّه‌ام حضرت زینب (س) است. (مقتل الحسین مقررّم، ص ۳۶۰)

شهادت امام سجاد ع

شیراوی می‌نویسد: «حضرت سجاد (ع) در مدینه با سمّی که به او خورانده شد، از دنیا رحلت نمود». (الاتحاف بحبّ الاشراف، ص ۱۴۳)

ابن صباغ می‌نویسد: آن حضرت را مسموم کردند و آن کسی که به آن حضرت سم داد، ولید بن عبدالملک بود. آن حضرت را در بقیع در کنار قبر عمویش حسن بن علی (ع) دفن کردند. علی بن الحسین (ع) بعد از پدرش سی‌وسه سال زندگی کرد. (الفصول المهمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۸۷۴) دکتر یمانی می‌نویسد: «توفی علی بن الحسین - (رضی‌الله‌عنه) - فی العشر الثانی من شهر المحرم سنة اربع وتسعين فی المدينة المنورة عن عمر يناهز لثامنه والخمسين. وما ان تسامع الناس بوفااته حتى ملا النبا ارجاء المدينة المنورة فامتلات القلوب حزناً عليه، وانطلقت الالسنه ثناءً وترحمًا و رثاءً له...» (علّموا اولادکم حبّ آل بیت النبى (ص)، ص ۱۷۰ و ۱۷۱)؛ (علی بن الحسین - (رضی‌الله‌عنه) - در دههٔ دوم از ماه محرم سال ۹۱ در مدینه منوره با عمری حدود ۵۸ سال از دنیا رحلت نمود؛ و هنگامی که خبر وفاتش به مردم رسید قلوب همه بر او محزون شد، زبان‌ها او را مدح و ثنا نموده و در سوگ او مرثیه سرودند...)



منابع رسمی دعوت مبارک یمانی موعود، سید احمد الحسن

سایت مؤسسه وارثین ملکوت

VARESIN.ORG

ارتباط با ما

@ZAMANE_ZOHOUR

صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمد الحسن

/AHMED.ALHASAN.10313

سایت رسمی فارسی

ALMAHDYOON.CO

سایت هفته‌نامه زمان ظهور

ZAMANEZOHOUR.COM

کانال تلگرام هفته‌نامه زمان ظهور

@ZAMAN_ZOHOUR